

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.289681.1793>

Investigating the legal implications of the joint Comprehensive plan of Action (JCPOA)

Abstract

Research Issue: With the victory of the Islamic Revolution and its goal in achieving comprehensive development, nuclear energy became the focus of the men's government. Enmity with the Islamic Revolution and opposition to the West with its development caused Iran's goal of peaceful use of nuclear energy to turn into an international. Accordingly, the purpose of this study is to investigate the legal consequences of Borjam.

Method: The present study seeks to investigate the legal consequences of JCPOA by descriptive-analytical method, which is used by libraries with the method of deleting files from law book sources as well as the use of Internet resources.

Results: In this study, the historical course of the nuclear negotiations from the 2000s to the Vienna Agreement, the legal opportunities and threats of the UN Security Council, the legal weakness of the UN Security Council were discussed. Some believe that after reaching a nuclear agreement or a UN Security Council, due to the form of the document and citing the intentions of the parties and explicitly the text, only the executive document contains some voluntary actions by both parties and therefore, it can not be A treaty, agreement, treaty or international agreement.

Keywords: Nuclear Negotiations, Legal Consequences of JCPOA, Political and Economic Consequences of JCPOA, International Atomic Energy Agency, Islamic Republic of Iran, P5 + 1 Group

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.289681.1793>

بررسی پیامدهای حقوقی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

مهدی خزائی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴

موسی موسوی زنونز^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

حسن سلیمانی^۳

چکیده

مساله تحقیق: با پیروزی انقلاب اسلامی و هدف آن در تحقق توسعه همه جانبه، انرژی هسته‌ای در کانون توجه دولت مردان قرار گرفت. دشمنی با انقلاب اسلامی و مخالف غرب با توسعه آن سبب شد تا هدف ایران از استفاده صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای به بحران بین‌المللی تبدیل گردد و منجر به شکل‌گیری مخالفت‌ها با ترقی ایران در این حوزه شود. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی پیامدهای حقوقی برجام می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی که با روش کتابخانه‌ای توأم با فیش‌برداری از منابع کتب حقوقی و هم‌چنین استفاده از منابع اینترنتی به کار برده می‌شود در پی بررسی پیامدهای حقوقی برجام می‌باشد.

نتایج: در این پژوهش سیر تاریخی مذاکرات هسته‌ای از سال‌های ۲۰۰۰ تا توافق وین، فرصت‌ها و تهدیدات حقوقی برجام، ضعف حقوقی برجام و خروج آمریکا پرداخته شده و به تحلیل پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن پرداخته شد. برخی معتقدند که پس از توافق هسته‌ای یا برجام، به دلیل شکل سند و با استناد به اهداف طرفین و متن صریح، سند اجرایی واحد حاوی اقدامات داوطلبانه هر دو طرف است. و بنابراین، نمی‌توان آن را عهدنامه، مقاله‌نامه، قرارداد یا موافقتنامه بین‌المللی دانست.

کلمات کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، مذاکرات هسته‌ای، پیامدهای حقوقی برجام، پیامدهای سیاسی و اقتصادی برجام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گروه ۵+۱

^۱ دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات، امارات.

mhd.khazaie@gmail.com

^۲ استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی تهران، تهران، ایران.

mmz1344@yahoo.com

^۳ استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران.

hsoleimani@gmail.com

حق انرژی هسته‌ای در اسناد بین‌المللی کاملاً پذیرفته شده و بر حق دولت‌ها در جهت توسعه و استفاده صلح‌آمیز آن تاکید شده است. از این رو حق استفاده صلح‌آمیز هسته‌ای بر طبق اسناد بین‌المللی برای ایران به رسمیت شناخته شده و به عنوان یک حق طبیعی تلقی می‌گردد اما آن روی قضیه و تبعیض زمانی هویدا می‌شود که بیشتر از هر چیزی رویکردی تبعیض‌آمیز آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را به نمایش گذاشت و انرژی هسته‌ای و کاربرد آن در حق ایران جهت استفاده از آن به «تعامل» بین «حقوق» و «سیاست» مبدل گشت. با اینکه مبنای وجودی انرژی هسته‌ای تحقق منافع کشورها و استفاده بهینه در جهت توسعه می‌باشد، ولی در مواردی عملکرد آن نشان می‌دهد که از هدف اصلی خود دور شده و گاهی خارج چارچوب‌های حقوقی، در جهت منافع ملی این یا آن کشور خاص حرکت کرده‌اند. این جریان حاکی از وجود نوعی «تقابل» بین «حقوق» و «سیاست» و استفاده ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی و مسئله انرژی هسته‌ای شده است.

پس می‌توان گفت طبیعتاً و از جنبه حقوقی ایران دارای حق استفاده بوده اما از جنبه سیاسی و عملکرد سیاسی کشورها ایران نایستی از آن استفاده نماید. لذا این کشمکش و تضاد میان ایران و قدرت‌های جهانی در قالب اتخاذ دیپلماسی فعال و اصرار ایران در استفاده از حق خود منجر به رسمیت شناختن ایران به عنوان یک طرف گفتگو در قالب مذاکرات هسته‌ای شد مذاکراتی که در نهایت منجر به انعقاد برجام شد. همچنین نباید برجام را از زاویه صرفاً تهدید یا صرفاً فرصت به آن نگاه شود بلکه باید با رویکردی به دور از تعصب و براساس منافع ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مسئله بسیار مهمی که امروزه در جامعه ما از اهمیت وافری برخوردار است مسئله مشکلات اقتصادی می‌باشد موضوعی که چند سال است به دغدغه مقام رهبری و نظام تبدیل شده است لذا بسیار از تحلیلگران برجام را از اهمیت و پیامدهای اقتصادی آن مورد مطالعه قرار می‌دهند. از این رو دید صرفاً مثبت به مسئله برجام و اهمیت اقتصادی آن و پیامدهایی که در جهت رفع مشکلات اقتصادی می‌تواند داشته باشد رویکردی مناسب نخواهد بود چرا که رفع مشکلات اقتصادی کشور و بهبود معیشت و ایجاد اشتغال در متن و توافق برجام نیست بلکه در موضوع اقتصاد مقاومتی و مولفه‌های آن باید جستجو کرد و از این رو برجام می‌تواند عامل تقویت‌کننده برای اقتصاد مقاومتی باشد. نه اینکه برجام خود به تنهایی بتواند مسائل اقتصادی کشور را حل کند.

تحقیقاتی نیز در این زمینه انجام شده است. در پژوهشی با عنوان: «برجام و تاثیر آن بر اقتصاد و بازار داخلی ایران» پرداخته و معتقد است که بررسی برجام نه صرفاً از حیث سیاسی، تأثیرات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن بلکه از بعد اقتصادی نیز قابل بررسی و حائز اهمیت است. بعد اقتصادی آن نه تنها اقتصاد داخلی ایران را تحت اثر قرار خواهد داد، بلکه پیامدهای رادر بازارهای خارجی و داخلی در بخش نفت و گاز و مواد غیر نفتی خواهد داشت.^۱ کاتزمان^۲ (۲۰۱۷)، در پژوهشی با عنوان «توافق نامه هسته‌ای ایران» اعتقاد دارد که برجام این موضوع را دنبال می‌کند که اطمینان حاصل شود برنامه هسته‌ای ایران، صرفاً صلح‌آمیز است. وی در ادامه اعتقاد دارد که دولت اوباما و سایر رهبران ۵+۱ ادعا می‌کنند که (JCPOA)

^۱ انصاری، لایلا؛ برجام و تاثیر آن بر اقتصاد و بازار داخلی ایران، اولین همایش بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه شهری، تبریز، ۱۳۹۵.

^۲ Kenneth katzman

موثرترین وسیله برای اطمینان از اینکه ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای را بدست آورد است. بن اسمیت^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «معامله هسته‌ای ایران و انحراف تصدیق»، به این موضوع می‌پردازد که آینده توافق سال ۲۰۱۵ بین ۵ عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و ایران در مورد برنامه هسته‌ای، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) (JCPOA)، با انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده زیر سوال رفته است. وی در ادامه به بررسی دیدگاه‌های می‌پردازد که معتقدند سیاست خارجی ایران که همچنان مسیر قبلی را دنبال کرده و تغییر در آن به وجود نیامده است. بر این اساس در پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی که با روش کتابخانه‌ای توأم با فیش برداری از منابع کتب حقوقی و هم چنین استفاده از منابع اینترنتی به کار برده می‌شود در پی بررسی پیامدهای حقوقی برجام می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

تاریخچه برنامه‌ی هسته‌ای ایران

در دوران محمدرضا پهلوی، ایران پروژه‌های بلند پروازانه‌ای را برای توسعه برنامه هسته‌ای خود آغاز کرد. این پروژه‌ها با کمک ایالات متحده و کشورهای اروپایی طراحی شده‌اند. به گفته اکبر اعتماد، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران، از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ سازمان در دانشگاه تهران برای تحقیق و آموزش هسته‌ای شرکت کرده است. پروژه متکی به راکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی بود که ایالات متحده از ایران تأمین می‌کرد.

توسعه برنامه هسته‌ای ایران پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ برای چندین سال متوقف گردید. جنگ با عراق، که در سال ۱۹۸۰ آغاز شد، بسیاری از منابع ایران را هدر داد و زیرساخت‌های هسته‌ای این کشور را به کلی نابود کرد. دو راکتور هسته‌ای در حال ساخت در بوشهر بارها هدف حملات جنگنده‌های عراق قرار گرفتند که پس از این حملات زیمنس^۴ پروژه‌های این شرکت را در ایران متوقف کرد. از این رو، با توجه به شرایط پیچیده‌ی آن دوره، ایران قادر به ادامه‌ی برنامه‌ی هسته‌ای نبود.

برنامه‌ی هسته‌ای ایران بار دیگر در دوران ریاست جمهوری اکبرهاشمی رفسنجانی، در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، از سر گرفته شد. در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، با بهبود شرایط ایران پس از جنگ هشت‌ساله، ایران توانست بار دیگر و این بار با کمک‌های روسیه، چین و پاکستان برنامه‌ی هسته‌ای خود را پیش ببرد. ایران در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰، دو پروتکل همکاری هسته‌ای با جمهوری خلق چین به امضا رساند. در سال ۱۹۹۵ نیز یک پروتکل همکاری هسته‌ای میان ایران و روسیه به امضا رسید که بر اساس آن تکمیل راکتور هسته‌ای بوشهر و ساخت یک مرکز غنی‌سازی اورانیوم به روس‌ها واگذار شد.

برنامه‌ی هسته‌ای ایران در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ هشدارهایی را برای ایالات متحده آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی به همراه داشت. ایران همواره اصرار داشته است که فعالیت‌های هسته‌ای این کشور در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده است؛ اما در سال ۲۰۰۲ یکی از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در خارج از ایران اسنادی را افشا کرد که نشان می‌داد ایران به دنبال ساخت سلاح‌های هسته‌ای است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بلافاصله پس از این اتفاق خواهان دسترسی به این تأسیسات

^۳ Ben smith

^۴ Siemens

و همکاری از سوی ایران برای آغاز بازرسی‌ها از فعالیت‌های هسته‌ای در این کشور شد. فرانسه، آلمان و بریتانیا تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را برای حل و فصل این بحران و ارائه‌ی پاسخ‌های قانع‌کننده از سوی ایران آغاز کردند. این فعالیت‌ها در نهایت منجر به شکل‌گیری بیانیه تهران شد.

براساس این بیانیه ایران موافقت خود را با همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد و پروتکل الحاقی را به عنوان یک اقدام اعتمادساز داوطلبانه امضا و اجرا نمود. ایران همچنین در این بیانیه متعهد شد که فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و فرآوری اورانیوم را در دوران مذاکرات دو طرف متوقف خواهد کرد. ایران در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ پروتکل الحاقی را امضا کرد و شرایط لازم را برای ارائه گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دسترسی بازرسان آژانس به سایت‌های هسته‌ای ایران فراهم نمود اما علیرغم این تلاش‌ها در نهایت دو طرف نتوانستند به یک راحل مناسب دست یابند. بنابراین، موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع گردید.

در سال ۲۰۰۳، محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، با قریب الوقوع دیدن تحریم‌های احتمالی بین‌المللی، تعلیق غنی‌سازی را در دستور کار خود قرار داد و گفتگو با سه کشور اروپایی را ادامه داد و موافقت خود مبنی بر بازرسی آژانس انرژی هسته‌ای از تأسیسات هسته‌ای را اعلام کرد. با این حال، ایران احساس کرد که تعهدات سه کشور اروپایی در بیانیه تهران توسط این کشورها انجام نمی‌شود. در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۶، اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دادند. سه کشور اروپایی شامل انگلیس، فرانسه، آلمان به همراه ایالات متحده پشتیبانی این قطعنامه را انجام دادند.^۵

محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت ایران، در پاسخ به این اقدام در ۶ فوریه ۲۰۰۶ اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و دیگر همکاری‌های غیر الزام آور ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را متوقف نمود.^۶ در ۱۱ آوریل ۲۰۰۶، محمود احمدی‌نژاد اعلام کرد که ایران با موفقیت فرآیند غنی‌سازی را پشت سر گذاشته است. وی در یک مصاحبه‌ی تلویزیونی تأکید کرد که «به طور رسمی اعلام می‌کنم که ایران به گروه کشورهای دارای فناوری هسته‌ای پیوسته است» ایران توانست با استفاده از بیش از ۱۰۰ سانتریفیوژ اورانیوم را تا ۳/۵ درصد غنی‌سازی کند.

یک روز پس از اعلام رسمی رئیس‌جمهور ایران مبنی بر آغاز غنی‌سازی اورانیوم در این کشور، کاندولیزا رایس^۷، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، بررسی اقدامات سخت در برابر فعالیت‌های هسته‌ای ایران را از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواست که به دقت مورد بررسی قرار دهد و ایران را به توقف برنامه‌های هسته‌ای خود وادار سازد.

تمایل ایران به بازگشت به پای میز مذاکره سبب توافقنامه پاریس گردید. این توافق نامه در تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۶ بین ایران و سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان به امضا رسید. بر اساس این توافقنامه، ایران داوطلبانه و به منظور اعتمادسازی بین ایران و غرب و نه بر اساس یک تعهد قانونی، کلیه فعالیت‌های غنی‌سازی و پردازش مجدد مانند ساخت، تولید، نصب، آزمایش، مونتاژ، راه اندازی مسیر سانتریفیوژهای گاز و جداسازی پلوتونیوم را متوقف کند. فعالیت‌ها و در مقابل اتحادیه اروپا، بخصوص

^۵ Gul A A, "Iran's Pursuit of Peaceful Nuclear Technology", *Pakistan Horizon*, Vol. 65, No. 1, January 2012, p. 37

^۶ Report by the Director General of IAEA, "Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran", 27 February 2006, <http://www.iaea.org/Publications/Documents/Board/2006-15.pdf>

^۷ Condoleezza Rice

۱۴۰۱ مرداد هشتم، شماره پنجم، سال پنجم، شماره هفتم، ماهنامه علمی-ترویجی (مقاله علمی)

سه کشور فرانسه، بریتانیا و آلمان، سعی می‌کنند پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی را تسهیل نمایند اما این توافقنامه تحت فشار دولت بوش و همچنین عدم توانایی کشورهای اروپایی در انجام تعهدات خود ذیل این توافقنامه، با شکست کامل مواجه شد و پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شد. این روند ادامه داشت تا با روی کار آمدن دولت روحانی روند مذاکرات در مسیر جدی در جهت انعقاد موافقت‌نامه به حرکت خود ادامه داد.

سیر تاریخی مذاکرات هسته‌ای از سال‌های ۲۰۰۰ تا توافق وین

در پی روی کار آمدن آقای خاتمی، مباحثی از قبیل جامعه مدنی و تکثیرگرایی در ساختارهای داخلی مطرح گردید.^۸ در چهار سال نخست دولت اصلاحات، وقایع مهم دیپلماسی هسته‌ای، نه در داخل و نه در خارج، نقش چشم‌گیری نداشته و نکات با اهمیت، مربوط به دوران دوم دولت است.^۹

در فوریه ۲۰۰۳، محمد خاتمی اعلام کرد که ایران برای توسعه یک چرخه‌ی سوخت کامل هسته‌ای، از مرحله‌ی استخراج معادن اورانیوم جهت استفاده در رآکتورهای هسته‌ای تا مرحله‌ی باز فرآوری سوخت مصرف شده و زباله‌های ذخیره شده، برنامه‌ریزی کرده است. پس از این، آژانس ابتکار عمل را برای مقابله با آن، با توجه به الزامات معاهده‌ی منع اشاعه‌ی سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، در دست گرفت و برای اولین بار در آگوست ۲۰۰۳، فرانسه، آلمان و انگلیس با ارسال نامه‌ی مشترک به وزیر امور خارجه‌ی ایران، خواستار تصویب و پیاده‌سازی پروتکل الحاقی، ۲+۹۳، پروتکل‌های الحاقی و متوقف کردن فعالیت‌های غنی‌سازی ایران شدند و در ۱۶ ژوئن به این نتیجه رسیدند که برخی از جنبه‌های برنامه هسته‌ای ایران باعث افزایش نگرانی می‌شود.^{۱۰}

در این زمان، فعالیت‌های غنی‌سازی ایران به تعلیق در آمده بود و البرادعی اعلام کرد که این کار به معنی اجتناب از استفاده از گاز سانتریفیوژ است. مدت کوتاهی پس از آن، فضای مذاکرات هسته‌ای ایران و اروپا تیره شد و سوءظن اروپایی‌ها نسبت به نیت ایران در برنامه‌ی هسته‌ای تشدید شد. علت برخی از اختلافات، توسط بازرسان آژانس مربوط به نوع سانتریفیوژ پلونیوم، آلودگی و نشت گاز اعلام شد.

در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۰۴، ایران به سه کشور بریتانیا، آلمان و فرانسه پیشنهادی ارائه کرد که بر مبنای آن قرار شد یک استراتژی در مقیاس بزرگ برای مدیریت بحران در نظر گرفته شود و ایران به سه کشور اطمینان دهد که نخست، از فعالیت صلح‌آمیز منحرف نشود و پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را ترک نکند؛ دوم، با توجه به پروتکل الحاقی با بازرسان آژانس همکاری کند و سوم، این که ایران مسئولیت کامل برای استفاده از فن‌آوری پیشرفته را بپذیرد و در مقابل، از آن‌ها خواست که حقوق اساسی ایران را با توجه به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بپذیرند و روابط استراتژیک خود با ایران را افزایش دهند، تکنولوژی دوگانه فناوری را به ایران منتقل کنند و سرانجام روابط اقتصادی و همکاری‌های دفاعی و امنیتی با ایران منعقد نمایند.^{۱۱}

^۸ دهشیری، محمدرضا؛ «چرخه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳۸۶.

^۹ صالحی، سید جواد و مظفر حسن‌وند؛ «دیپلماسی هسته‌ای ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی-بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳، پاییز، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳.

^{۱۰} صالحی و حسن‌وند، همان، ص ۱۲۳.

^{۱۱} صالحی و حسن‌وند، همان، ص ۱۲۴.

البرادعی نتیجه گرفته بود که هیچ مدرکی دال بر ارتباط فعالیت‌های هسته‌ای قبلا اعلام نشده‌ی ایران با برنامه‌های نظامی وجود ندارد، اما با توجه به پنهان‌کاری ایران، رسیدن آژانس به این که برنامه‌ی ایران در راستای صلح آمیز بودن است، به زمان نیاز دارد. در ۲۶ نوامبر همین سال، قطعنامه‌ای علیه ایران صادر شد که از ایران می‌خواست به تعهدات خود عمل نماید در ۱۸ دسامبر، ایران پروتکل را امضاء کرد و اظهارنامه‌ی مفصلی مطابق با پروتکل به آژانس ارائه داد و اظهار داشت که این اظهارنامه‌ی مفصل یک اقدام اعتمادساز داوطلبانه است، چرا که پروتکل برای ایران لازم‌الاجرا نشده است و از شورای حکام خواست تا در جلسه‌ی بعد به پایان پرونده رای بدهد. بنابراین، در زمینه‌ی هسته‌ای، دولت خاتمی هیچ‌گاه از سیاست اصلی پایبندی به مفاد NPT تخطی نکرد.

در چارچوب گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور و جهت‌گیری عدم تعهد تجدید نظر طلب، نوعی سیاست خارجی شکل گرفت که الگوی رفتاری آن به شیوه‌ها و ابزار متمایزی در رفتار سیاست خارجی ایران در عرصه‌ی بین‌المللی تجلی یافت. از یک سو، باعث تعدیل الگوی مناسبات با غرب، به معنای تشدید جنگ سرد با آمریکا و بازنگری روابط با اروپا شد و از سوی دیگر، موجب ظهور سیاست نگاه به شرق، به ویژه نزدیکی به روسیه و چین گردید. یکی از مشخصه‌های مهم سیاست سازش‌ناپذیری ایران در موضع هسته‌ای، وجود قوانینی در راستای حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای بوده که هرگونه سازش را ممنوع اعلام می‌کند. بدین رو، در ۱۳۸۴/۲/۲۵ قانون دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای در مجلس به تصویب رسید و به موجب آن، دولت در مرداد همان سال فعالیت‌های (یو سی اف) خود در اصفهان را از سر گرفت. سپس حدوداً پنج ماه در حضور بازرسان آژانس به رفع تعلیق نطنز و فعالیت‌های غنی‌سازی در خصوص تحقیق و توسعه و ساخت قطعات مورد نیاز سانتریفیوژ خاتمه داد. قانون الزام دولت به تعلیق اقدامات داوطلبانه در صورت ارجاع یا گزارش پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت نیز در آذرماه به تصویب مجلس رسید.^{۱۲}

با وجود اینکه تصمیم‌گیری درباره‌ی برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران فراتر از دولت‌ها است و تأکید بر حق هسته‌ای ایران در طی ۲۰ سال گذشته از جمله سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران بوده است، با تغییر دولت‌ها شاهد تغییر رویکردها و مکانیسم‌های اجرایی و همچنین برخی تغییر سیاست‌ها بوده‌ایم.

با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ایران، فضای حاکم بر سیاست خارجی ایران، بخصوص در حوزه‌ی هسته‌ای، با تغییرات جدی مواجه شد. حسن روحانی در مقایسه با محمود احمدی-نژاد تمایل بیشتری به آغاز مذاکرات جدی با غرب برای حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران از خود نشان داد. وی در سال ۲۰۰۳ نیز که مسئول تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود، با تعلیق محدود برنامه‌ی غنی‌سازی ایران موافقت کرد. در نتیجه‌ی این تغییر و همچنین با موافقت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، مذاکرات جدی میان طرفین آغاز و پس از دو سال مذاکره جدی و مستمر میان طرفین برنامه‌ی جامع اقدام مشترک (برجام) به امضای طرفین رسید. لذا ماراتن مذاکرات بیش از هر مکانی در ژنو و وین برگزار شد.

^{۱۲} رسولی ثانی آبادی، الهام؛ «حفظ امنیت هستی‌شناسانه و سازش‌ناپذیر نظام جمهوری اسلامی ایران در سیاست هسته‌ای»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲.

در مسیر تحقیق بخشیدن به نهایی شدن برجام، شورای امنیت، قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ را تصویب نمود و به دنبال آن، لغو کلیه‌ی قطعنامه‌های شورای امنیت پیرامون موضوع برنامه‌ی هسته‌ای ایران بر اساس ماده‌ی ۴۱ در دستور کار قرار گرفت. بر طبق این قطعنامه، برجام مورد تایید قرار گرفته و اجرای آن برای همه‌ی طرف‌ها الزام‌آور می‌شود و کلیه‌ی قطعنامه‌های شورای امنیت در مرحله‌ی اول و در قالب ماده‌ی ۴۱ منشور ملل متحد، لغو و تمام تحریم‌های مالی و اقتصادی تحمیل شده بر وفق آن خاتمه می‌یابد. شورای امنیت، صراحتاً رویکرد خود را نسبت به موضوع هسته‌ای ایران به طور اساسی تغییر یافته اعلام می‌کند و برداشت گذشته نسبت به برنامه‌ی هسته‌ای ایران به عنوان "تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی" رفع خواهد شد. تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی بدین منوال در قطعنامه بررسی گردیده و به دو دسته تقسیم شده‌اند: در مورد تحریم‌های تسلیحاتی، محدودیتی ۵ ساله برای ایران در نظر گرفته می‌شود و تا پیش از آن هم ایران قادر خواهد بود آنچه را که در لیست "تسلیمات متعارف سازمان ملل" وجود دارد، با جلب رضایت اعضای شورای امنیت خریداری کند.^{۱۳}

محدودیت‌های اعمال شده برنامه موشکی، هشت ساله بوده و پس از آن محدودیت‌های مربوط به توسعه برنامه موشکی نیز برداشته شود. تا پیش از رفع محدودیت‌های هشت ساله، ایران می‌تواند موارد مورد نیاز برنامه موشکی خود را دریافت کند، مشروط بر این که خرید آن‌ها از قبل به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل رسیده و مورد تصویب قرار گیرد.

به اعتقاد کارشناسان یک مسئولیت بین‌المللی با نقض برجام ایجاد می‌شود، زیرا نظام ضمانت اجرا، یعنی اقدام به مقابله به مثل، در برجام برگشت‌پذیر است. در حقیقت، یک سیستم خودکفا در برجام وجود دارد که به نوعی توسط ماده ۶۰ کنوانسیون وین اداره می‌شود، که پس از فسخ یا تعلیق، با نقض اساسی پیمان مخالف است.^{۱۴}

برخی دیگر استدلال می‌کنند که کشورهای برجام از نظر استقلال می‌توانند یک معاهده در نظر گرفته شوند، زیرا مقوله استقلال با محتوای تعهدات متفاوت است و به طور کلی به روابط خارجی کشورهای معاهده / توافق اشاره دارد. گروه استقلال میزان تداوم و رشد تعهدات قراردادی را مستقل از سایر روابط حقوقی بررسی می‌کند. برخی از تعهدات کاملاً مستقل از سیستم حقوقی و معاهداتی هستند. دسته‌های دیگر هنگامی بوجود می‌آیند که دولت‌ها معاهداتی را در این زمینه طراحی می‌کنند و سرانجام برخی تعهدات دیگر مستلزم ایجاد معاهده یا تعهدات قانونی (در سیستم حقوقی داخلی یا بین‌المللی) در آینده است. روشن است که هرچه ساختار توافق نامه با سایر تعهدات قانونی مرتبط باشد، استقلال آن کمتر است.^{۱۵} در برجام، در مواد مختلف مانند مواد ۱۳، ۱۴، ۱۷، مشاهده شده است که این توافق نامه به روی سایر اسناد و مراحل قانونی بسته شده است.

از سوی دیگر، در مورد قانونی بودن برجام، برخی اشاره کرده‌اند که روش حل اختلافات ذکر شده در متن برجام با روشهای معمول سیاسی و حقوقی حل اختلافات متفاوت است؛ بنابراین، این یک معاهده است. سازوکار حل اختلافات در برجام نیز نشان دهنده معاهده بودن آن است. سرانجام، می‌توان ادعا

^{۱۳} صالحی و حسن‌وند، همان، ص ۱۴۱.

^{۱۴} دلخوش، علیرضا؛ «برجام و پس‌برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، ص ۵۶.

^{۱۵} Hill s, Duncan B, Newemer, sha, "Political Commitments and the Nation State", *Virginia Journal of International Law*, Vol. 49, No. 3, 2009, p. 534-538.

کرد که برجام مبتنی بر یک سری حقوق طرفین است و از آنجا که متن در این زمینه صریح است، مراجعه به قصد بی معنی است. طبق اصول ۷۷ و ۱۲۵، معاهده ای به معنای عام به هر آنچه دولت را ملزم به اقدام یا خودداری از اقدام در رابطه با سایر موضوعات حقوق بین الملل یا سایر سازمان های بین المللی می کند، اشاره دارد. و لذا، برجام به عنوان سندی تعهد آور میان دولت ایران و دولت های دیگر تصویب می شوند. برخی دیگر از کارشناسان نیز معتقدند که با بررسی متن برجام در چارچوب یک معاهده حقوقی، می توان دلایلی برای وجود آن بیان کرد. در بحث "ماهیت" می توان تحلیل کرد که: الف) کل و قالب برجام می تواند در نظام بین المللی، مبین توافقی (حقوقی) بین المللی باشد و ب) ماهیت اقدامات یا فعل و انفعالات موجود در برجام و همچنین شرایط واقعی و شرایط خاص حاکم بر انعقاد برجام می تواند ماهیت آن را تعیین کند. در بحث "سازوکار اجرایی" می توان در نظر گرفت که داشتن ضمانت اجرای یکی از ویژگیهای بارز تعهدات قانونی در مقابل تعهدات سیاسی است. معمولاً برگشت پذیری در تعهدات قانونی نقض تعهد تلقی می شود.^{۱۶} در تحلیل نهایی، می توان ادعا داشت که برجام به دلیل طراحی مکانیزم پایبندی، اجرا و نظارت، قدرت اجرایی بسیار بالاتری نسبت به سایر معاهدات حقوقی بین المللی مشابه دارد.

فرصت های حقوقی برجام

اگرچه ایران هرگز به دنبال ساخت سلاح هسته ای، حتی قبل از مذاکرات منتهی به شورای امنیت سازمان ملل نبود و همیشه بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای پافشاری می کرد، اما تصویر ایران و برنامه هسته ای آن قبل از دولت یازدهم بین المللی چنان بود که ادامه آن موجب نگرانی و ناامنی بسیاری از مردم در سراسر جهان شده و حتی بیشتر آمریکایی ها با آن مخالفت کردند و از اقدامات نظامی علیه ایران حمایت کردند. اما از زمان آغاز مذاکرات هسته ای در دولت یازدهم، با پیشرفت مذاکرات، حق ایران برای داشتن یک برنامه هسته ای صلح آمیز و همچنین اعتقاد به عدم انحراف از برنامه هسته ای نظامی خود، به طور فزاینده ای در جهان شناخته شده است.

یکی از شاخصه های پر اهمیت برجام، تاکید طرف های امضا کننده این سند بین المللی بر عنصر "تعهد" می باشد. در بند هجدهم از بخش "مقدمه و مقررات کلی" برجام، طرف های امضا کنند این سند، بر تعهد به همکاری متقابل در خصوص مصارف صلح آمیز انرژی هسته ای، تصریح نموده اند.^{۱۷}

همچنین، خروج از فصل هفتم منشور سازمان ملل، اولین اثر مهم بین المللی برجام برای ایران بود. چندین قطعنامه مصوب شورای امنیت سازمان ملل در دوره دولت گذشته، برنامه هسته ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت جهان شناخته است. طبق بندهای ۳۹، ۴۰ و ۴۱ فصل هفت منشور، تحریم های ظالمانه جهانی علیه ایران اعمال و صدها میلیارد دلار خسارت به ملت ایران تحمیل شد. این مصوبه مهمترین موفقیت بین المللی استکبار و صهیونیسم علیه ایران و بدترین ضربه به اعتبار و حیثیت بین المللی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بود، زیرا عالی ترین مرجع سیاسی - امنیتی جهان، یعنی شورای امنیت سازمان ملل ایران را به عنوان تهدید صلح و امنیت بین الملل به رسمیت

^{۱۶} نظیف، مجتبی و علیرضا ظاهری؛ «نسل جدید موافقتنامه های بین المللی؛ برجام»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، ۱۳۹۷،

^{۱۷} JCPOA, PREAMBLE AND GENERAL PROVISIONS: Xii) The EU and E3+3 countries and IRAN, in the framework of the JCPOA, will cooperate, as appropriate, in the field of ...

شناخت. برجام در گام اول فصل هفت منشور در مورد ایران را به تعلیق در آورد تا با اجرای برجام، خروج کامل ایران از این فصل محقق شود^{۱۸}.

از نظر بسیاری از تحلیلگران براین باورند که برجام از نظر عملی جلوی فعالیت کشورها را برای دستیابی به مواد شکافت‌پذیر برای مصارف صلح‌آمیز منع نمی‌کند. این موضوع یکی از انتقاداتی است که در حوزه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مطرح شده است. اما برجام، با ایجاد چارچوب و شرایط مشخص، و همچنین ایجاد مکانیسم‌های نظارت و تأیید فعالیت‌های هسته‌ای ایران، می‌تواند این اطمینان را به جامعه بین‌المللی بدهد که فعالیت هسته‌ای کشورها صلح‌آمیز باقی خواهد ماند^{۱۹}.

مهم‌ترین دست‌آورد برجام از نگاه تحلیلگران رفع تحریم‌های بین‌المللی بر علیه ایران می‌باشد استدلال آن‌ها نیز تاکید تیم مذاکره‌کننده ایرانی بر رفع این تحریم را به عنوان مهم‌ترین دلیل خود بیان می‌کنند. اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن روابط اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن کشور مورد نظر برای اهداف مختلف سیاسی همان تحریم‌های اقتصادی است. معمولاً بهترین جایگزین برای جنگ و اجبار تحریم‌های اقتصادی هستند. تحریم‌های اقتصادی محدود ابزار کشورهای مختلف برای تحصیل اهداف سیاسی خود علیه کشورهای هدف می‌باشد، اما این نوع تحریم‌ها به طور کلی کم‌اثر بوده است. این نوع تحریم‌ها برای دستیابی به دو هدف تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف یا تغییر رژیم مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ طی سال‌های اخیر، ابعاد اقتصادی تحریم‌ها گسترش یافت و به تدریج در کلیه بخش‌ها از نفت و خودروسازی تا بیمه، بانک‌ها و آموزش رخنه و در نهایت تحریم‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ اتحادیه اروپایی علیه بانک مرکزی و سایر نهادها یا بانک‌های دولتی و شعب خارجی، بنیادهای اقتصادی کشور را درگیر نمود مذاکرات هسته‌ای در سال‌های متوالی گذشته، با عدم تفاهم طرفین به نتیجه‌ای نرسید، تا سرانجام، پس از برگزاری بیش از ۷۲ نشست، در تاریخ ۲۰۱۵/۷/۱۴ سرانجام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، میان جمهوری اسلامی ایران و گروه ۱+۵ منتشر و در ۲۰۱۶/۱/۱۶ اجرایی شد. اجرای موافقت‌نامه برجام می‌تواند گامی مهم در رفع تحریم‌های بین‌المللی و کاهش صدمات این تحریم‌ها بر اقتصاد کشور تلقی گردد از این رو اجرای برجام و رفع تحریم‌ها به عنوان یک فرصت سیاسی-امنیتی در بازه زمانی کوتاه و بلندمدت تلقی می‌گردد.

تهدیدات حقوقی برجام

یکی از تناقضات حقوقی برجام عدم شکل‌گیری تحریم‌های جدید مشروط بر مغایر نبودن با سایر قوانین موجود در کشورهای غربی می‌باشد. به عنوان مثال اگر چنانچه شخصی در ایران را نتواند با اتهام دست داشتن در مسائل هسته‌ای تحریم نمایند به سراغ سایر قوانین از جمله مسائل مرتبط با حمایت از تروریسم می‌روند همچنین می‌توان به عدم لغو تحریم‌های چند جانبه که عامل هسته‌ای و غیر هسته‌ای با هم منجر به تحریم شده‌اند اشاره نمود.

بر طبق برجام به مدت ۲۵ سال ایران نمی‌تواند بیش از ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را در درون کشور نگاه دارد؛ اما پس از اتمام این محدودیت، ایران می‌تواند با ارائه برنامه خود به سازمان بین‌المللی انرژی

^{۱۸} موسویان، سید حسین و دیاکو حسینی؛ *منطق پیامدهای مطلوب و نامطلوب برجام*، کتاب: برجام، سیاستها، دستاوردها و الزامات، ۱۳۹۵، صص ۳۵۹-۳۶۰.

^{۱۹} همان، صص ۳۵۹-۳۶۰.

اتمی این میزان را افزایش دهد. بسیاری از تحلیلگران، بخصوص مخالفان برجام در غرب، بر این باورند که این موضوع (پایان محدودیت‌ها پس از ۲۵ سال) یکی از تهدیدات برجام محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، پس از پایان این محدودیت‌ها ایران می‌تواند، تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، فعالیت‌های هسته‌ای خود را گسترش دهد. این فعالیت‌ها شامل غنی‌سازی اورانیوم، میزان اورانیوم غنی‌شده، تحقیق و توسعه و دیگر مسائل مرتبط می‌شود.^{۲۰}

عدم توجه به تفاوت‌های اصطلاحاتی همانند تعلیق، توقف و لغو در متن حقوقی برجام بسیار مشهود است به عنوان مثال ماده ۱۹ برجام بیان می‌دارد که بعد از انجام تعهدات ایران و راستی آزمایی آژانس اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا متوقف خواهد شد. همانگونه که شاهد هستیم از این عبارت لفظ تعلیق به ذهن متبادر می‌گردد. همچنین در رابطه با تعلیق تحریم‌های آمریکا و لغو نشدن آنها در این مرحله باید گفت، تعلیق، «ساختار تحریم‌ها» را حفظ می‌کند و در سند برجام، صرفاً قرار شده است دولت آمریکا در چارچوب اختیارات موجود، موانع ناشی از قوانین و ساز و کارهای موجودی را که مانع انتفاع ایران از تعلیق تحریم‌ها می‌شوند را در حد توان مرتفع نماید، اما تعهد قطعی داده نشده است.

با توجه به مصوبه مجلس مبنی بر الزام دولت بر حفظ دستاوردهای هسته‌ای و مصوبه منع دولت از اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، یکی از مهمترین ملاحظات حقوقی که وجود دارد نادیده گرفته شدن این مصوبات و تن دادن به نظارت‌های آژانس بر اساس اجرای اختیاری پروتکل می‌باشد. چرا که تا قبل از این مصوبات، دولت‌ها این اختیار را داشتند که بدون مجوز و تصویب مجلس بصورت اختیاری پروتکل را اجرا نمایند و این مصوبه دقیقاً به این منظور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که اجرای اختیاری پروتکل با نظارت مجلس صورت گرفته و به ادبیات حقوقی پروتکل نیز همانند سایر تعهدات بین‌المللی و بر اساس اصول و مواد قانونی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

یکی دیگر از ادله‌ی مخالفین در بیان برجام به عنوان تهدید این است که، به عدم تصویب متن نهایی توافق در پارلمان‌های سایر کشورهای طرف توافق غیر از آمریکا استناد می‌کنند. آنان بر این باورند که عدم تصویب متن نهایی توافق در مجالس قانون‌گذاری کشورهای طرف معاهده، دلیلی بر اجرایی بودن و عدم لزوم تصویب آن در مجلس شورای اسلامی است. لازم به ذکر است که آنان تصویب برجام در کنگره‌ی آمریکا را به علت برداشته شدن تحریم‌های وضع شده به وسیله‌ی این نهاد ضروری می‌دانند.

در این خصوص باید بیان نمود که مبتنی بر متن نهایی برجام، غیر از جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده‌ی آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا، تعهد مشخصی برای تک‌تک کشورهای متعاهد وجود ندارد تا بر اساس آن به بررسی و تصویب برنامه‌ی جامع اقدام مشترک در نظام حقوق داخلی خود پردازند. به بیان دقیق‌تر تنها تعهد مذکور برای کشورهای چین، روسیه، فرانسه و انگلستان به عنوان عضوی دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد متعهد به تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل است و آلمان، فرانسه و انگلیس به عنوان اعضای اتحادیه اروپا متعهد به لغو تحریم‌ها هستند و مقید به قانون داخلی و متعهد به انجام اقدامات مشخصی نیستند.^{۲۱}

^{۲۰} واکاوی برجام، کمیته بررسی تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نمایندگان پیرامون ابعاد و پیامدهای برجام و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، شماره ۱، ۱۳۹۴، صص ۱۱-۱۴.

^{۲۱} فتاحی زفرقندی، علی؛ «بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران»، گزارش پژوهشی، پژوهشکده شورای نگهبان، گزارش شماره مسلسل ۱۲۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۴، صص ۳۳-۳۷.

۱۴۰۱ مرداد هشتم، شماره پنجم، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره چهارم، مقاله علمی پژوهشی - پژوهشی

همچنین بر طبق یکی از بندهای برجام حق بازرسی از تاسیسات هسته‌ای ایران پذیرفته شده است و این مسئله می‌تواند مشکلات زیادی برای برنامه هسته‌ای ایران ایجاد کند و ایالات متحده می‌تواند از این توافق برای فشار بیشتر به ایران برای تغییر رفتار استفاده کند. به علاوه، آن‌ها نگرانند که این توافق و اجرای آن با هدف تقویت رقبای ایرانی میانه رو صورت پذیرد.^{۲۲}

پس از توافق هسته‌ای یا توافق برجام، تصویب یا عدم موافقت مجلس ایران به یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در فضای سیاسی ایران تبدیل شد. برخی از حقوقدانان از جمله بسیاری از مقامات دولتی ذیربط معتقد بودند که برجام به دلیل شکل سند، با استناد به اهداف طرفین و متن صریح آن، تنها سند اجرایی حاوی برخی اقدامات داوطلبانه هر دو طرف است که هر یک از این اقدامات منوط به اقدام طرف مقابل هستند و بنابراین نمی‌توانند به عنوان معاهده، قرارداد یا توافق نامه بین‌المللی در نظر گرفته شوند. از نظر آنها برجام معاهده قانونی نیست که بخواهد تصویب شود و به قوانین داخلی تبدیل شود. در واقع، برجام یک توافق سیاسی است، نه توافق حقوقی. در همان زمان، مجلس شورای اسلامی خود تا حدود زیادی این موضوع را در صلاحیت شورای عالی امنیت ملی قرار داده است، زیرا اگر به قانونی توجه کنیم که دولت را ملزم به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای می‌کند، پذیرش مواردی که الزاماتی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند همیشه منوط به نظر شورای عالی امنیت ملی و صلاحیت آن است و در بندهای دو و سه این قانون در مورد محدودیت‌های دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و بازرسی‌ها و جلسات مقامات، مصوبه این شورا به عنوان پیش شرط ذکر شده است.^{۲۳}

طبق برجام توافق شد که هر سه تحریم مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای علیه ایران (تحریم‌های شورای امنیت، تحریم‌های اتحادیه اروپا و تحریم‌های آمریکا) لغو شود. اتحادیه اروپا متعهد شده است که در زمینه‌های مالی، بانکی و بیمه، نفت و گاز و پتروشیمی، حمل و نقل، کشتی‌سازی و حمل و نقل، طلا، سایر فلزات گرانبها، اسکناس و چک، فلزات، نرم‌افزار، اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی یا موسسات ایرانی که دارایی آنها توقیف شده است را لغو کند. همچنین ایالات متحده متعهد شده است که در زمینه‌های بانکی و دارایی، بیمه، نفت و گاز و پتروشیمی، کشتیرانی و کشتی‌سازی، طلا و سایر فلزات گرانبها، نرم‌افزار و فلزات، خودرو و اقدامات مربوطه محدودیت‌ها و تحریم‌هایی را علیه ایران رفع کند. سرانجام، طبق برجام، توافق شد که تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران با تصویب قطعنامه جدید توسط آن لغو شود.^{۲۴}

در شرایط پس‌برجام با لغو تحریم‌های بین‌المللی مالی و بانکی، امکان دسترسی به بخش قابل توجهی از منابع بلوکه شده، خروج از فضای بسته و غیرتکاملی و حضور همه‌جانبه در عرصه بین‌المللی و تبدیل به بازیگری فعال و دارای نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی برای کشور فراهم شده است همین امر موضع‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و در نتیجه ضرورت مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران را ایجاد کرده است و صرف‌نظر از حزب منتخب ایالات متحده در دوره جدید، احتمال تداوم سیاست مهار ایران از طریق اعمال تحریم وجود دارد بنابراین یکی از آسیب‌ها و تهدیدات جدی برجام تداوم تحریم‌های غرب

^{۲۲} میر نظامی، منیرالسادات؛ «توافق هسته‌ای و روابط شورای همکاری خلیج فارس و ایران»، ماهنگار راهبردی دیدبان امنیت ملی، شماره ۴۲، ۱۳۹۴، ص ۸۴.

^{۲۳} پورسعید، فرزاد؛ «پذیرش برجام و چالش‌های اجرایی شدن آن»، ماهنگار راهبردی دیدبان امنیت ملی، شماره ۴۳، ۱۳۹۴، صص ۵-۶.

^{۲۴} رضائی پیش رباط، همان، ۹۷.

بخصوص آمریکا بر علیه ایران است در حالی که یکی از اهداف کلید برجام برای طرف ایرانی لغو کامل تحریم‌ها بوده است.^{۲۵}

ضعف حقوقی برجام و خروج آمریکا

دولت آمریکا ابتدا در فواصل نود روزه، پایبندی ایران را به مفاد و مندرجات توافق هسته‌ای بین‌المللی تأیید و تعلیق تحریم‌های ضدایرانی را همچنان تمدید کرد؛ اما ترامپ از پانزدهم اکتبر ۲۰۱۷ با این دستاویز که میزان رفع تحریم‌ها علیه ایران با محدودیت‌ها در برنامه هسته‌ای این کشور متناسب نیست، از تأیید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای اجتناب کرد و اقداماتی نظیر تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ضدایرانی (آیسا) توسط مجلس نمایندگان آمریکا و مصوبه مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ هشتم دسامبر ۲۰۱۵ (۱۷ آذر ۱۳۹۴) مبنی بر اعمال محدودیت‌های جدید برای ورود به آمریکا توسط شهروندان کشورهای ثالثی که به ایران رفت و آمد دارند، بخشی از اقداماتی بودند که دولت آمریکا پس از امضای برجام انجام داد که سنخیتی با حسن نیت در اجرای این توافق بین‌المللی نداشته و مورد شکایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در واکنش به اعتراضات جمهوری اسلامی ایران نسبت به این شیوه نادرست و اقدامات غیرسازنده طرف آمریکایی و پیگیری روش‌های پیش‌بینی شده در برجام برای رفع اختلافات ناشی از اجرای برجام، کاخ سفید در ابتدا (اواخر دوره ریاست جمهوری اوباما) بطور مکرر بر پایبندی این کشور به برجام و ضرورت پاسداشت این تعهد بین‌المللی تأکید می‌نمود.

این مسئله به کنگره آمریکا امکان داد تحریم‌های (هسته‌ای) آمریکا را مجدداً علیه ایران وضع کند اما کنگره دست به چنین اقدامی نزد ترامپ تا ماه مه ۲۰۱۸ تعلیق همه تحریم‌ها را علیه ایران تمدید کرد که این کشور البته بر اساس مفاد برجام ملزم به این امر شده بود.^{۲۶}

به این ترتیب با وجود تلاش‌های کشورهای اروپایی امضاکننده توافق و سفر امانوئل مکران رئیس‌جمهور فرانسه، آنگلا مرکل صدراعظم آلمان و بوریس جانسون وزیر امور خارجه انگلیس به واشنگتن و دیدار با ترامپ برای تشویق وی به ماندن در توافق ایران، ترامپ بدون توجه به درخواست‌های متحدان اروپایی آمریکا، به صورت یک‌جانبه از توافق هسته‌ای خارج شد و در ادامه نیز ضمن اعلام وضع مجدد تحریم‌ها علیه ایران، تهدید کرد کلیه شرکت‌های اروپایی را که همچنان به روابط خود با ایران ادامه دهند نیز تحریم خواهد کرد.

این درحالی است که آمریکا و تا حدی نیز اروپایی‌ها با پیش کشیدن موضوع فعالیت‌های موشکی و منطقه‌ای ایران تلاش دارند تا این موضوعات را پیش‌شرط هرگونه گفتگو برای دستیابی به توافق جدید یا اصلاح توافق کنونی هسته‌ای قرار دهند که البته چنین امری با واکنش شدید تهران روبرو شده است.^{۲۷} آمریکا خروج خود از توافقنامه وین را این‌گونه توجیه کرد که این توافقنامه رضایت‌بخش نبوده است به‌ویژه به این خاطر که این توافقنامه دربردارنده انصراف ایران از برنامه موشک‌های بالستیک یا اصلاح آن نبوده است و اینکه مدت زمان اعتبار توافقنامه می‌بایست بیشتر از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ می‌بود.

^{۲۵} اسلامی، محسن و فرزانه نقدی؛ «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۴،

زمستان ۱۳۹۵، صص ۵۹-۶۲

^{۲۶} Katzman, Kenneth, *Iran's Foreign And Defense Policies*, Congressional Research Service, 2018, p. 16.

^{۲۷} Katzman, *Ibid*, p. 16.

بر اساس توافقنامه وین، آمریکا از لحاظ حقوقی دلیل موجهی برای مخالفت با مفاد این توافق ندارد. براساس آن به به تعهداتش برای لغو تحریم‌های ملی و بین‌المللی علیه ایران پایان بخشد. آنگونه که در ماده ۳۶ برجام مندرج است، ایالات متحده در صورتی می‌توانست به کمیسیون مشترک ارجاع دهد که «برآورد کند که یکی از اعضاء [ایران] به تعهداتش مطابق برنامه اجرا عمل نکرده است ایالات متحده این مسیر را در پیش نگرفته است. بی‌گمان، به این خاطر که آژانس بین‌المللی هسته‌ای چندین بار مطابقت ایران با تعهدات عدم اشاعه را بر اساس برجام تایید کرده است ایالات متحده برای خروج از برجام نارضایتبخش بودن برجام را بهانه کرده است، به ویژه اینکه برجام دربردارنده امتناع ایران از برنامه بالستیک‌اش یا اصلاح آن نیست و اینکه مدت زمان برجام می‌بایست طولانی‌تر شود. رویه‌های حل و فصل اختلافات مندرج در برجام را فعال سازند تا به طرفی اجازه دهند همان‌گونه که خروج یکجانبه ایالات متحده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت این خروج یکجانبه نه در این متن و نه در سایر متون سازمان ملل مبنای حقوقی نمی‌یابد.^{۲۸}

برجام به عنوان یک توافق سیاسی

توافق نامه ۱ + ۵ در قالب برجام یک توافق سیاسی است که توسط بسیاری از کارشناسان و حقوقدانان به جای معاهدات قانونی صورت گرفته است. کشورها با اشخاص خصوصی خارجی و دیگران منعقد می‌شوند، که همه آنها به عنوان توافق نامه‌های بین‌المللی تفسیر می‌شوند، اما بخشی از توافق نامه‌های بین‌المللی فقط بین موضوعات حقوق بین‌الملل (دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) منعقد می‌شود^{۲۹}، که می‌تواند در دو دسته توافق نامه‌های اخلاقی و توافق نامه‌های حقوقی تقسیم شوند. توافق نامه نزاکتی، آن توافق‌هایی است که بین موضوعات حقوق بین‌الملل منعقد می‌شود و طرفین به دنبال ایجاد یک تعهد سیاسی و اخلاقی هستند و نه یک تعهد بین‌المللی. ماهیت سیاسی جنبه غالب این معاهدات به معنای نادیده گرفتن پیامدهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک نیست.

در مواردی حتی ممکن است به واسطه برخی توافقنامه‌های نزاکتی، در عمل آثار و نتایج مثبت و منفی بسیاری نسبت به یک دولت یا ملت ایجاد گردد، اما این آثار از منظر حقوق بین‌الملل جنبه‌ی حقوقی و الزام‌آور برای آن دولت نداشته و دولت ملزم به پذیرش آن‌ها نیست.

به بیان دقیق‌تر هر چند معمولاً از عناوینی همانند عهدنامه، موافقت نامه، قرارداد، کنوانسیون، منشور، میثاق، پیمان، اساسنامه، پروتکل، اعلامیه و غیر آن برای موافقتنامه‌های حقوقی و از عباراتی همانند یادداشت تفاهم، اعلامیه مشترک، تفاهم نامه، صورت مذاکرات، بیانیه مشترک، صورت جلسه، توصیه نامه و غیر آن، برای موافقتنامه‌های اخلاقی یا نزاکتی استفاده می‌گردد، اما آنچه در تعیین قانونی بودن یا اخلاقی بودن یک توافق مهم است ایجاد اثرات و الزامات حقوق بین‌الملل بین تابعان حقوق بین‌الملل است و عنوان آنها تفاوتی در ماهیت این توافق نامه‌ها ایجاد نخواهد کرد. بنابراین مهم‌ترین معیار به منظور تشخیص حقوقی یا نزاکتی بودن یک توافق، توجه به مفاد توافق، نهادهای ناظر و آثار و نتایج حقوقی مترتب بر آن و قواعد در نظر

^{۲۸} انجمن حقوقدانان، کمیسیون مسائل ایران، تحلیل‌های حقوقی خروج ایالات متحده از توافقنامه وین پیرامون برنامه هسته‌ای ایران: یک وضعیت حقوقی متناقض، ۲۰۱۸، www.leclubdesjuristes.com

^{۲۹} ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ (حقوق جنگ) حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.

گرفته شده برای ضمانت اجرای توافق می‌باشد که طرفین مبتنی بر آن توافق نموده‌اند یا در متن موافقتنامه به آن تصریح کرده‌اند.^{۳۰}

بنابراین پس از حصول توافق هسته‌ای یا برجام، اینکه مجلس ایران باید آن را به تصویب برساند یا خیر به یکی از موضوعات چالش برانگیز فضای سیاسی ایران تبدیل شده بود. برخی از حقوقدانان و از جمله بسیاری از مقامات دولتی ذریبط معتقد بودند برجام به دلیل شکل تنظیم سند و با استناد به قصد و نیت طرف‌ها و به صراحت متن آن، تنها سند اجرایی مشتمل بر برخی اقدامات داوطلبانه از سوی دو طرف است که انجام هر کدام از این اقدامات منوط به اقدام طرف مقابل است و بنابراین، نمی‌توان آن را عهدنامه، مقاله‌نامه، قرارداد یا موافقتنامه بین‌المللی دانست. به نظر آن‌ها، برجام معاهده‌ای حقوقی نیست که بخواهد روند تصویب را طی کند و به شکل قانون داخلی درآید. در واقع، برجام توافق سیاسی است نه حقوقی

بنابراین، آیا مجلس ایران باید پس از رسیدن به توافق هسته‌ای یا شورای امنیت سازمان ملل، آن را تصویب کند یا به یکی از چالش برانگیزترین موضوعات در فضای سیاسی ایران تبدیل شود؟ برخی از حقوقدانان از جمله بسیاری از مقامات دولتی ذریبط معتقد بودند که برجام به دلیل شکل سند، با استناد به اهداف طرفین و متن صریح آن، تنها سند اجرایی حاوی برخی اقدامات داوطلبانه هر دو طرف است که هر یک از این اقدامات منوط به اقدام طرف مقابل هستند و بنابراین نمی‌توانند به عنوان معاهده، توافق نامه، قرارداد یا موافقتنامه بین‌المللی در نظر گرفته شوند. از نظر آن‌ها، برجام یک معاهده حقوقی نیست که بخواهد مراحل تصویب را طی کند و به قانون داخلی تبدیل شود. در واقع، برجام یک توافق سیاسی بوده و یک توافق حقوقی است.^{۳۱}

در واقع می‌توان گفت برجام عباراتی را به کار برده است که مفید تعهد اخلاقی و نزاکتی است و نمی‌تواند ماهیتی غیر از آن داشته باشد. در این خصوص می‌توان به رأی ۲۰۱۵ صلاحیتی فیلیپین علیه چین که در دیوان داوری اکتبر ۲۰۱۵ انشاء شد اشاره کرد، طبق این رأی بین‌المللی معیارهای لازم برای الزام‌آور بودن یک توافق را قصد مشخص طرفین برای تأسیس حق و تکلیف بیان می‌کنند.

پیامدهای سیاسی و اقتصادی برجام

تأثیرات مخرب تحریم‌ها بر ایران، بنیان‌های اقتصادی این کشور را بشدت تضعیف کرده بود. نرخ تورم به بیش از ۴۰ درصد رسیده بود که این امر سبب افزایش قیمت اقلام اساسی و افزایش بیکاری به بیش از ۱۰ درصد رسید. از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، حدود ۳۰۰ هزار جوان با تحصیلات عالی از کشور خارج شدند و میزان فرار مغزها در ایران به ۲۵ درصد افزایش یافت که این رقم بیشترین میزان فرار مغزها در ایران به شمار می‌رود. رفع تحریم‌ها و افزایش سرمایه‌گذاری در ایران می‌تواند فرصت‌های شغلی بیشتری را برای جوانان ایرانی فراهم نماید و بسیاری از متخصصان خارج‌نشین را به کشور بازگرداند.^{۳۲}

تحریم‌های اقتصادی که توسط ایالات متحده، اتحادیه اروپا و دیگر کشورها علیه ایران اعمال شده است، موجب محدودیت زیاد بر سر راه فرصت‌های تجاری بین‌المللی با ایران شده است و همچنین تأثیری منفی

^{۳۰} طاهری کلان، مهدی؛ تحلیل برجام از نظر حقوق داخلی و بین‌المللی، نخستین کنگره بین‌المللی جامع علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۵، صص ۳-۲.

^{۳۱} پورسعید، فرزاد؛ همان، صص ۵-۶.

^{۳۲} Sannia, Abdullah, "Iran Nuclear Deal: Implications for Regional Security", *Political Studies*, January 2015, p. 484.

بر اقتصاد ایران داشته است. افزایش روابط اقتصادی با ایران فضای اقتصاد جهانی را تقویت می‌کند. ایران با وجود تحریم‌ها، دومین اقتصاد بزرگ منطقه خاورمیانه بعد از عربستان سعودی است. ایران همچنین دومین ذخایر گاز طبیعی در جهان را داراست و چهارمین کشور در زمینه ذخایر نفت خام ثابت شده است. اگر تحریم‌ها لغو شود، اقتصاد آمریکا هم به طور مستقیم نفع خواهد برد. بررسی اخیری که منتشر شده است نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۱۲ ایالات متحده حدود ۱۷۵ میلیارد دلار درآمد بالقوه از صادرات به ایران را از دست داده است و به طور متوسط هر سال حدود ۶۰ هزار فرصت شغلی در آمریکا به این خاطر از بین رفته است.^{۳۳} با وجود فرصت‌هایی که برجام می‌توانست در اختیار ایران و اقتصاد این کشور قرار دهد، خروج ایالات متحده از این توافقنامه در سال گذشته، معادلات جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از کشورهای اروپایی را تغییر داد. کشورهای اروپایی انتظار داشتند که با رفع تحریم‌ها علاوه بر گسترش روابط تجاری و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران، این کشور را با گذشت زمان به یک کشور عادی و غیرانقلابی تبدیل نمایند که اهداف و منافع غرب را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به خطر نیاندازد؛ اما گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران پس از امضای توافق، بخصوص نقش مهم ایران در سوریه، سبب شد که ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران خارج شود و در نتیجه جمهوری اسلامی ایران نتواند از فواید اقتصادی این توافقنامه بهره‌مند شود.

در نتیجه اعمال محدودیت‌های شدید بر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، کشورهای منطقه، نظیر عربستان و ترکیه، به سوی توسعه یک برنامه هسته‌ای مستقل حرکت نکرده‌اند. هیچ یک از کشورهای منطقه که انتقادهایی را در ارتباط با توافق هسته‌ای مطرح کرده بودند، هیچ تغییری در برنامه‌ی هسته‌ای خود ایجاد نکرده‌اند و به توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز بسنده کرده‌اند.

هیچ نشانه‌ای از تغییر اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دست نیست. ایران همچنان به حمایت‌های همه‌جانبه‌ی خود از بشار اسد ادامه می‌دهد، از حزب‌الله لبنان به عنوان نیروی اصلی نیابتی خود در منطقه ادامه می‌دهد و همچنان با سیاست‌های عربستان سعودی در یمن، بحرین و سوریه مخالفت می‌نماید. علاوه بر این، ادبیات ایران در قبال اسرائیل تغییری نکرده است.

دولت‌های اسرائیل و عربستان سعودی، بشدت با توافق هسته‌ای مخالف بودند و تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از به ثمر رسیدن آن بکار گرفتند. عربستان سعودی بیش‌تر نگران اهداف ژئوپولیتیک ایران در خلیج فارس بود، در حالی‌که اسرائیل نگران دستیابی به سلاح هسته‌ای بوده است. به طور خلاصه، از نظر اسرائیل و عربستان، گسترش تماس‌ها میان ایران و ایالات متحده به معنای افزایش نفوذ ایران و کاهش تنش‌ها میان این دو کشور بود که می‌توانست از نفوذ این دو کشور در واشنگتن بکاهد. بنابراین، حتی پس از انعقاد توافق هسته‌ای تمام تلاش خود را برای تضعیف این توافقنامه و خروج ایالات متحده از توافقنامه هسته‌ای بکار گرفتند.^{۳۴}

نتیجه‌گیری

³³ Sannia, *Ibid*, p. 484.

³⁴ Negahban, Behbod. (2017). "Who Makes Iran's Foreign Policy? The Revolutionary Guard and Factional Politics in the Formulation of Iranian Foreign Policy", *Yale Journal of International Affairs*, Volume 12, spring 2017.

یکی از بحث‌برانگیزترین عوامل اختلاف میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا و کشورهای غربی، برنامه‌ی هسته‌ای ایران بوده است. برنامه‌ی هسته‌ای ایران در دو دهه‌ی گذشته فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است و در مقطعی به افزایش بحران میان‌ایران و غرب انجامیده است؛ از طرفی با توجه به شرایط در ایران و کشورهای غربی، بخصوص ایالات متحده امریکا، در برخی از مقاطع شاهد کاهش تنش‌ها و بحران هسته‌ای میان دو طرف بوده‌ایم. از جمله‌ی این موارد می‌توان به موفقیت مذاکرات برجام اشاره کرد که ایران و شش قدرت جهانی بر اساس آن به چارچوبی برای حل این بحران دست یافتند.

برجام به عنوان نقطه‌ی اوج سال‌ها جدال، تنش و فعالیت دیپلماتیک در خصوص برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. در تابستان سال ۲۰۰۲، توجهات بین‌المللی در نتیجه‌ی افشای فعالیت‌های هسته‌ای ایران توسط یکی از گروه‌های اپوزسیون در خارج از ایران به برنامه‌ی هسته‌ای این کشور جلب شد. بعد از گذشت یک سال، تمامی کشورها به این نتیجه رسیدند که ایران برای دستیابی به دانش غنی‌سازی اورانیوم، تمامی تجهیزات لازم را تهیه کرده است؛ غنی‌سازی اورانیوم برای ساخت سلاح هسته‌ای و نیروگاه هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و این مسئله نگرانی‌های بین‌المللی را افزایش داده است.

جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید کرده است که برنامه‌ی هسته‌ای این کشور قانونی است و با توجه به عضویت ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که حق اعضا را برای توسعه و استفاده از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسد، برنامه‌های هسته‌ای این کشور بر اساس قوانین و مقررات بین‌المللی بوده است. با این وجود، ایالات متحده امریکا ادعا می‌کند که ایران نیازی به انرژی هسته‌ای ندارد و برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای این کشور پوششی است برای تلاش‌های ایران در جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای. ایالات متحده در جریان مذاکرات برجام از این موضع عقب‌نشینی کرد و به ایران اجازه داد پس از ده سال به غنی‌سازی اورانیوم در مقیاس تجاری پردازد؛ اما با روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ در امریکا و اتخاذ مواضع ضدایرانی وی، ایالات متحده از برجام خارج شد و بار دیگر برنامه‌ی هسته‌ای ایران و دیگر اختلافات این کشور با ایالات متحده به افزایش تنش در منطقه، بویژه در منطقه‌ی خلیج فارس، انجامید و دو طرف تا آستانه رویارویی مستقیم نظامی پیش رفته‌اند. در ادامه به بررسی جزئیات تحولات مربوط به برنامه‌ی هسته‌ای ایران خواهیم پرداخت.

مطالعات نشان داده است که پس از دستیابی به توافق هسته‌ای، تصویب یا عدم تأیید مجلس ایران به یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات جو سیاسی ایران تبدیل شده است. برخی از حقوق‌دانان از جمله بسیاری از مقامات دولتی ذریبعت معتقد بودند که برجام به دلیل شکل سند، با استناد به اهداف طرفین و متن صریح آن، تنها سند اجرایی حاوی برخی اقدامات داوطلبانه هر دو طرف است که هر یک از این اقدامات منوط به اقدام طرف مقابل هستند و بنابراین نمی‌توانند به عنوان معاهده، قرارداد یا توافق نامه بین‌المللی در نظر گرفته شوند. از نظر آنها، برجام یک معاهده حقوقی نیست که بخواهد مراحل تصویب را طی کند و به قانون داخلی تبدیل شود. در واقع، برجام یک توافق سیاسی است، نه توافق حقوقی.

منابع

الف. فارسی

- کتاب

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ (حقوق جنگ) حقوق بین الملل مخصصات مسلحانه، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.
- موسویان، سید حسین و دیاکو حسینی؛ منطق پیامدهای مطلوب و نامطلوب برجام، کتاب: برجام، سیاستها، دستاوردها و الزامات، ۱۳۹۵.

- مقاله

- اسلامی، محسن و فرزانه نقدی؛ «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵.
- پورسعید، فرزاد؛ «پذیرش برجام و چالش‌های اجرایی شدن آن»، ماهنگار راهبردی دیدبان امنیت ملی، شماره ۴۳، ۱۳۹۴.
- دلخوش، علیرضا؛ «برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.
- دهشیری، محمدرضا؛ «چرخه آرمان گرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۰.
- رسولی ثانی آبادی، الهام؛ «حفظ امنیت هستی شناسانه و سازش ناپذیر نظام جمهوری اسلامی ایران در سیاست هسته‌ای»، فصلنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۱۳۸۹.
- رضائی پیش رباط، صالح؛ «تأملی بر دستاوردهای حقوقی برجام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۲، ۱۳۹۵.
- صالحی، سید جواد و مظفر حسن‌وند؛ «دیپلماسی هسته‌ای ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی - بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳، پاییز، ۱۳۹۴.
- فتاحی زفرقندی، علی؛ «بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران»، گزارش پژوهشی، پژوهشکده شورای نگهبان، گزارش شماره مسلسل ۱۳۹۴۰۱۲۲، ۱۳۹۴.
- میر نظامی، منیرالسادات؛ «توافق هسته‌ای و روابط شورای همکاری خلیج فارس و ایران»، ماهنگار راهبردی دیدبان امنیت ملی، شماره ۴۲، ۱۳۹۴.
- نظیف، مجتبی و علیرضا ظاهری؛ «نسل جدید موافقتنامه‌های بین‌المللی؛ برجام»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، ۱۳۹۷.

- کنفرانس

- انصاری، لیلا؛ برجام و تاثیر آن بر اقتصاد و بازار داخلی ایران، اولین همایش بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه شهری، تبریز، ۱۳۹۵.
- طاهری کلان، مهدی؛ تحلیل برجام از نظر حقوق داخلی و بین‌المللی، نخستین کنگره بین‌المللی جامع علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۵.

- قوانین

- انجمن حقوقدانان، کمیسیون مسائل ایران، تحلیل‌های حقوقی خروج ایالات متحده از توافقنامه وین پیرامون برنامه هسته‌ای ایران: یک وضعیت حقوقی متناقض، ۲۰۱۸. www.leclubdesjuristes.com
- واکاوی برجام، کمیته بررسی تخصصی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نمایندگان پیرامون ابعاد و پیامدهای برجام و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، شماره ۱، ۱۳۹۴.

ب. انگلیسی

- Articles

- Gul A A, "Iran's Pursuit of Peaceful Nuclear Technology", *Pakistan Horizon*, Vol. 65, No. 1, January 2012, pp. 35-52.
- Hollis, Duncan B. and Newcomer, Joshua J, "Political' Commitments and the Constitution", *Virginia journal of International Law*, Vol. 49, No. 3, 2009.
- Negahban, Behbod. "Who Makes Iran's Foreign Policy? The Revolutionary Guard and Factional Politics in the Formulation of Iranian Foreign Policy", *Yale Journal of International Affairs*, Volume 12, spring 2017.
- Sannia, Abdullah, "Iran Nuclear Deal: Implications for Regional Security", *Political Studies*, January 2015, p. 484.

- Conference

- Katzman, Kenneth, *Iran's Foreign And Defense Policies*, Congressional Research Service, 2018.